



۲۰۱۸/۱۲/۲۰



ولید مجیدیار

مناقشه آب میان افغانستان و پاکستان

از امپراطوری مایان تا سوریه امروزی و یمن، خلع امنیت آب یکی از دلایل عمده اضطراب، نزاع و بحران بوده است. براساس مطالعات انجام شده، به دلیل تغییرات اقلیمی و رقابت سخت برای استفاده از منابع، احتمال ۷۵-۹۵٪ وجود دارد تا در ۵۰-۱۰۰ سال آینده جنگ آب به وقوع پیوندد. در حال حاضر دریای کابل یکی از دلایل تشدید کننده آشفته‌گی رابطه افغانستان و پاکستان و دو همسایه آسیای جنوبی است.

افغانستان از منابع آبی فراوان برخوردار است. سالانه ۸۰ میلیارد متر مکعب آب در افغانستان حاصل می‌شود که ۶۰ میلیارد متر مکعب آن به کشورهای همسایه و بخصوص پاکستان سرازیر می‌شود. دریای کابل از هندوکش سرچشمه می‌گیرد و با عبور از سرحد ۱۱ ولایت، ۶۰٪ جریان سالانه آب را در کشور تشکیل می‌دهد و به دریای سند در نزدیکی شهر آتوک در پاکستان میریزد. این دریا و انشعابات آن منبع مهمی برای زندگی جمعیتی حدود ۲۵ میلیون انسان در اطراف بستر این دریا است و انتظار می‌رود تا این جمعیت در سال ۲۰۵۰ به ۳۷ میلیون نفر برسد.

اخیراً دولت افغانستان اعلام کرد که به زودی کار ساخت سد شاتوت در مسیر دریای کابل با مصرف ۲۳۶ میلیون دالر آغاز می‌گردد. انتظار می‌رود این سد ۱۴۶ میلیون متر مکعب آب آشامیدنی برای ۲ میلیون از جمعیت کابل را فراهم کند و آب زراعتی ۴۰۰۰ هکتار از زمین‌های ولسوالی چهارآسیاب این ولایت را فراهم کند. این پروژه بخشی از پلان‌های جاه طلبانه افغانستان با حمایت هند برای ساخت ۱۲ سد بر روی بستر دریای کابل است.

اگرچند، این پروژه موجب آزرده‌گی کشور دچار دغدغه آب پاکستان شده است، در کنفرانسی که اخیراً در پیشاور برگزار شد مقامات پاکستانی نگرانی‌های خود در مورد اثربخش نبودن پروژه‌ها برای محصولات زراعتی و زندگی مردم پیشاور را ابراز کردند. همچنین رسانه‌های پاکستانی پروژه سد شاتوت را به عنوان پالیسی تهاجمی کابل درباره پاکستان و طرح ریزی شده توسط کشور هندوستان به نمایش کشاندند. با این وجود، بهبود زیر بنای آب و انرژی افغانستان برای تضمین ثبات داخلی و اقتصاد عقب‌مانده مساله‌ای حیاتی است.

چندین دهه جنگ با محروم ساختن ۸۰٪ جمعیت دهاتی از آب آشامیدنی مناسب زیر بنای آب افغانستان را نابود کرده است و مانعی در مقابل ایجاد تهسیلات ذخیره آب امروزی است. تنها ۵٪ جمعیت کشور و ۱٪ جمعیت دهاتی از صحت آبی بهتر برخوردار هستند. کاهش ۶۰٪ بارش باران و برف موجب کمبود آب و نیز یکی از بدترین خشکسالی‌های دهه‌های اخیر شده است. با تاثیر از این موضوع ۳,۶ میلیون افغان نیاز مبرم به غذا

دارند و تعداد بیجاشدگان در داخل کشور به ۲۶۰ هزار نفر - بیشتر از تعداد بیجاشدگان در جنگ با طالبان - رسیده است.

علاوه بر این، اقتصاد راکد افغانستان افزایش بی سابقه بیکاری (۴۰٪) و فقر (۶۰٪) را تجربه میکند. در حالیکه کمک های خارجی سیر نزولی را داشته است دولت افغانستان تلاش میکند تا از طریق محصولات زراعتی و منابع عظیم معدنی خود اقتصاد راکد خود را احیا کند.

زراعت رکن اصلی اقتصاد افغانستان در نظر گرفته میشود. بیش از ۸۰٪ جمعیت افغانستان وابسته به محصولات زراعتی هستند و در مناطق دهاتی زندگی میکنند. بخش زراعت با بکارگ پری ۴۰٪ از نیروی کار کشور پتانسیل بالایی برای ایجاد مشاغل، عواید برای زنان، افزایش امنیت غذایی و کاهش فقر در مناطق دهاتی را دارد. همچنین، افغانستان از حدود ۱ تریلیون دلار منابع دست نخورده معدنی برخوردار است. افغانستان دارای ۱۴۰۰ سایت مواد معدنی شامل آهن، کانی ها، لیتیوم، سولفور، سنگهای گران بها و نیمه گران بها، مس، زغال و منابع معدنی دیگر است. با این وجود توسعه هر دو بخش وابسته به آب و انرژی پایدار و باثبات است. علی‌رغم پتانسیل افغانستان برای تولید ۲۳۰۰۰ میگاوات برق آبی، تنها در حدود ۳۰۰ میگاوات برق آبی، برابر با ۲٪ از برق تولیدی پاکستان را تولید میکند. تنها ۲۸٪ از خانه ها در افغانستان به شبکه انرژی متصل هستند. افغانستان ۷۵٪ از برق مورد نیاز خود که عموماً ناپایدار و نامطمئن است را از کشورهای منطقه وارد می‌کند. بنابراین، ارتقای زیربنای آب و انرژی یک پیش نیاز برای توسعه اجتماعی-اقتصادی افغانستان است.

در سوی دیگر، دریای کابل اساس دسترسی به آبیاری زراعتی، آب‌آشامیدنی، و انرژی در خیبر پختونخوا، منطقه شمال غربی پاکستان و سرحد افغانستان است. دریای کابل سه ولسوالی حاصلخیز این منطقه - ۸٪ از آبیاری چارسده، ۸۰٪ پیشاور، ۴۷,۵٪ نوشیرا - را آبیاری می‌کند و تنها منبع آب آشامیدنی میلیون‌ها پاکستانی در اطراف بستر این دریا را فراهم می‌کند.

کمبود حدود ۹۰۰۰ میگاوات برق موجب ۱۷ ساعت کاهش بار در سیند، بلوچستان و خیبر پختونخوا در کشور پاکستان شده است و این شهرها را به شدت تحت تاثیر قرار داده است. سد ورسک که در سال ۱۹۶۰ در امتداد بستر دریای کابل احداث شده است ۲۵۰ میگاوات برق برای دره پیشاور تولید میکند. تخمین زده می‌شود که احداث سدی جدید در مسیر دریای کابل موجب کاهش ۸-۱۱٪ جریان آب ورودی سد ورسک شود. بنابر این، این کاهش جریان میتواند بر توسعه اجتماعی - اقتصادی منطقه خیبر پختونخوا تاثیر منفی داشته باشد و موجب بروز آشوب اجتماعی گردد.

در ۵۰ سال گذشته، ۱۵۰ معاهده آبی در روابط بین المللی با موضوع آب باثبات و قابل پیشبینی به امضاء رسیده است. برای مثال، در سال ۱۹۶۰ معاهده آبی رود سند در مورد چگونگی تقسیم آب میان دو کشور پاکستان و هند به امضاء رسید. اما این معاهده به شکل کامل مناقشه آب میان این دو همسایه آسیای جنوبی را برطرف نکرد. در سال های اخیر، هند رود سند را در مقابل مشکلات سیاسی رو به افزایش در تلافی با پاکستان مورد استفاده قرار داده است. صدراعظم هند نارندرا مودی در جلسه ای برای بررسی این معاهده گفت: "خون و آب نمیتوانند با هم جریان داشته باشند." بنابر این هند در حال پلانگذاری به منظور ساخت سدهایی در مسیر این رود خانه برای به حداکثر رسانیدن استفاده از آب و احیای پروژه تولبوت - سدی که در سال ۱۹۸۷ باعث ایجاد مناقشه میان هند و پاکستان شده است.

دریای کابل برای افغانستان مهمتر از یک ابزار دیپلماسی برضد پاکستان است. دریای کابل ابزاری برای زندگی ۷ میلیون افغان در اطراف بستر این دریا است و منبعی غیرقابل انکار به منظور بازسازی اقتصاد فروپاشی شده است. اگرچند امضای تفاهم نامه ای درمورد این موضوع میتواند موجب استفاده بهتر از این رود خانه شود اما دولت افغانستان حد اقل در آینده نزدیک با در نظر داشت رابطه سیاسی دو کشور، حاضر به امضای توافق نامه در مورد این موضوع با پاکستان نخواهد شد .

با اینهم، احترام به حقوق پاکستان به عنوان حاشیه نشین بستر پایین دریای کابل از سوی دولت افغانستان اجتناب ناپذیر است. بنابراین دستیابی به راه حلی "برد - برد" نیازمند تضمین استفاده "عادلانه" و "معقول" از دریای کابل و متضرر نشدن پاکستان در چارچوب کنوانسیون ۱۹۹۷ سازمان ملل متحد پیرامون استفاده غیرقانونی از بسترهای آبی بین‌المللی است. در مقابل پاکستان می بایست برای توسعه اقتصادی افغانستان و بخصوص باز نمودن مسیرهای تجارت و ترانزیت افغانستان همکاری کند. پایان

